

تجارب معلمان دوره ابتدایی از چالش‌های تغییر آموزش سنتی به آموزش مجازی در دوران شیوع ویروس کرونا

محبوبه البرزی*، مهدی محمدی**، رضا ناصری جهرمی***، مریم صفری****،

فاطمه میرغفاری*****

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی تجارب زیسته معلمان از چالش‌های تغییر آموزش سنتی به آموزش مجازی در دوران شیوع ویروس کرونا بود. این پژوهش جزء پژوهش‌های کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی هوسرل بود که براساس الگوی هفت مرحله‌ای کلاسیکی انجام شد. مشارکت‌کنندگان بالقوه در این پژوهش معلمان ابتدایی شاغل به تدریس در شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. برای انتخاب آزمودنی‌ها از رویکرد هدفمند ملاکی و معیار اشباع نظری استفاده شد و نهایتاً ۱۶ معلم در گروه مشارکت‌کنندگان قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت پذیرفت. پس از استخراج و دسته‌بندی موضوعی، دو مضمون فراگیر ۱- چالش‌های غیرسازنده مشتمل بر مضامین سازمان‌دهنده مهارت‌های تدریس و آموزش در فضای مجازی، تجهیزات و زیرساخت‌های فضای مجازی، ارتباط معلمان با خانواده‌ها و نگرش‌های مربوط به استفاده از فضای مجازی و ۲- چالش‌های سازنده: مشتمل بر مضامین سازمان‌دهنده فرصت‌های آموزشی و فرصت‌های روان‌شناختی شناسایی شدند. اعتبار داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های تأییدپذیری از طریق خودبازبینی پژوهش‌گران و اعتمادپذیری با هدایت دقیق جریان جمع‌آوری اطلاعات و هم‌سوسازی پژوهش‌های مرتبط تعیین شد. با توجه به نتایج حاصله، ضرورت پذیرش آموزش مجازی با تمامی محاسن مربوط به آن و حذف نقاط ضعف و مشکلات مربوط به آن امری انکارناپذیر است.

واژه‌های کلیدی: آموزش سنتی، آموزش مجازی، دوره ابتدایی، کرونا، معلم

* دانشیار روان‌شناسی تربیتی، بخش میانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).
(malborzi@shirazu.ac.ir)

** دانشیار برنامه‌ریزی درسی، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
(m48r52@gmail.com)

*** دکتری برنامه‌ریزی درسی، بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
(dr_naseri@hotmail.com)

**** دانشجوی کارشناسی ارشد بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
(Mry.safari7667@gmail.com)

***** دانشجوی کارشناسی ارشد بخش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
(fatememirqafari@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۰/۱/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۳۱

مقدمه

آموزش و یادگیری از جمله ضروریات زندگی است که در دوره‌ها و زمان‌های مختلف با شکل‌ها و ویژگی‌های متعدد انجام شده است و این امر به ویژه در دوره‌های اول زندگی که زمان آموختن و رشد است از اهمیت زیادی برخوردار است. آنچه به طور کلی در سیستم‌های آموزشی حاکم بوده است موضوع یادگیری در محیط‌های فیزیکی و مدرسه‌ای است که لازمه و شرط اساسی آن آموزش حضوری و ارتباط متقابل فیزیکی بین معلم و دانش‌آموزان و همچنین دانش‌آموزان با یکدیگر است. در دهه‌های اخیر نوع جدیدی از آموزش با عنوان آموزش الکترونیکی^۱ و آموزش‌های مجازی^۲ جهت پاسخ‌گویی به برخی نیازهای آموزشی شکل گرفت که نگاه محققین و صاحب‌نظران حوزه‌های روان‌شناسی و تعلیم و تربیت را به خود جلب کرد (مکی و مکی^۳، ۲۰۰۷؛ میهال^۴، ۲۰۲۰). میهال (۲۰۲۰) معتقد است عنصر کلیدی در هر آموزشی چه الکترونیکی و مجازی و چه حضوری، تعامل در مجموعه تعلیم و تربیت است که از سه بعد تعامل بین دانش‌آموزان و محتوای آموزشی، تعامل بین دانش‌آموزان با یکدیگر و تعامل بین معلم و دانش‌آموزان تشکیل شده است. از دیدگاه وی هرگونه خللی در این تعامل چه فیزیکی و چه مجازی آموزش را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. همچنین لن^۵ (۲۰۰۹) معتقد است آموزش‌های مجازی در مقابل آموزش‌های سنتی برای معلمان و دانش‌آموزانی که با روش سنتی آموزش دیده‌اند مشکلات عمده‌ای دارد که بدون حمایت تکنیکی و آموزشی، یادگیری و یاددهی به‌خوبی صورت نمی‌گیرد.

اناس^۶ (۲۰۲۰) در بررسی نگرش یادگیرندگان به آموزش‌های مجازی در تعریفی آموزش مجازی را آموزشی می‌داند که در آن تعلیم و تربیت به طور فیزیکی انجام نمی‌گیرد و از طریق پلتفرم‌ها، نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای کامپیوتری انجام می‌شود و این درحالی است که در آموزش حضوری اصل اساسی تعلیم و تربیت حضور فیزیکی در محیط آموزشی است. کیا (۱۳۸۸) آموزش الکترونیکی را مجموعه فعالیت‌های آموزشی تعریف می‌کند که با استفاده از ابزارهای الکترونیکی اعم از صوتی، تصویری، رایانه‌ای و... صورت می‌گیرد که به سه نوع شخصی، گروهی و کلاس‌های مجازی تقسیم می‌شود. از دیدگاه وی انعطاف‌پذیری، به روز بودن، سرعت یادگیری، عدالت آموزشی و صرفه‌جویی در هزینه‌های یادگیری از مهمترین ویژگی‌های آموزش الکترونیکی و مجازی است. دیکسون^۷ (۲۰۱۰) معتقد است آموزش‌های مجازی از زمانی که ایجاد شده‌اند همواره دارای چالش‌هایی در خصوص چگونگی آموزش و موضوع انگیزش در دانش‌آموزان بوده‌اند. لیکن از دیدگاه وی

¹. e-learning

². virtual

³. Maki & Maki

⁴. Mehall

⁵. Lane

⁶. Anas

⁷. Dixson

آموزش‌های مجازی می‌توانند به اندازه آموزش‌های سنتی موثر باشند اگر معلم آموزش‌دیده و متبحر باشد و واحدهای درسی بر اساس نوع آموزش طراحی شوند. مکی و مکی (۲۰۰۷) نیز دریافتند آموزش‌های مجازی نیاز به روش‌شناسی قوی و فرصت‌های لازم برای شکل‌گیری نوع جدید تعاملات در کلاس دارند. رابرتسون، گرانت و جاکسون^۱ (۲۰۰۸) معتقدند در آموزش مجازی دانش‌آموزان زمان بیشتری برای انجام تکالیف و یادگیری در اختیار دارند لیکن این امر به شرطی است که معلم در آموزش مجازی فعال‌تر باشد بدین معنی که از چگونگی آموزش در فضای مجازی به‌خوبی آگاهی داشته باشد و برای این کار آموزش دیده باشد. در این ارتباط اصطلاح «حضور اجتماعی»^۲ برای معلم در کلاس بکار برده شده است که بدین معنی است که معلم باید در کلاس درس فعالیت‌های قابل مشاهده شامل کامنت گذاشتن، پاسخ دادن به سوالات دانش‌آموزان و پست گذاشتن و... داشته باشد (رابرتسون و همکاران، ۲۰۰۸). اناس (۲۰۲۰) نیز بر این باور است که آموزش سنتی دارای جنبه‌های اجتماعی مثبتی است که در آموزش مجازی وجود ندارد اما می‌توان فرصت‌هایی برای کاهش این اثرات منفی در آموزش‌های مجازی ایجاد نمود که معلمان در ایجاد این فرصت‌ها نقش اساسی دارند. کروالد^۳ (۲۰۰۸) نیز به جایگاه معلم در آموزش مجازی جهت بهره‌برداری از آموزش اشاره می‌کند. دلاور و قربانی (۱۳۹۰) هم معتقدند آموزش مجازی به شرط تأمین زیرساخت‌های قوی و آموزش‌های لازم می‌تواند موجب یادگیری خلاق یادگیرندگان گردد.

امروزه با شیوع بیماری کرونا در سراسر جهان، قابلیت فن‌آوری‌های نوظهور ارتباطاتی در عرصه آموزش بسیار نمود پیدا کرده است؛ چرا که در راستای رعایت پروتکل‌های بهداشتی امکان استفاده از آموزش‌های حضوری فیزیکی وجود ندارد و متخصصان امر باید در جهت تداوم فرآیند آموزش و یادگیری از روش‌های سنتی و متداول فاصله گرفته و به روش‌های نوین تغییر رویه دهند.

در این راستا، بروز تحولات گسترده در زمینه رایانه و ارتباطات، تغییرات گسترده‌ای در عرصه‌های متفاوت زندگی بشری به دنبال داشته است (شاه‌مرادی، ۱۳۹۱) که در دوران شیوع کرونا این تحولات نمود بیشتری دارد. نظام‌های آموزشی یکی از نهادهایی است که در مسیر این تغییرات قرار گرفته است؛ چنانچه، رشد و پیشرفت فن‌آوری، برنامه‌های آموزشی و تجارب کلاس‌های درس را به طور عمیقی تحت تأثیر قرار داده است. بر این اساس، ابزارها و روش‌های سنتی دیگر نمی‌توانند به‌خوبی، جواب‌گوی نیازهای فرایند یاددهی-یادگیری بویژه در بحران‌های خاص آموزشی و پرورشی باشند و نتیجه این تغییر و تحولات جایگزینی فن‌آوری‌ها و روش‌های نوین آموزشی به‌جای روش‌های سنتی و قدیمی است (فاضلیان و نظری، ۱۳۹۳). به بیان دیگر در سال‌های اخیر و بویژه در این دوران (شیوع کرونا) آموزش مجازی به عنوان یکی از کاربردهای فن‌آوری‌های نوین اطلاعات

^۱. Robertson, Grant, & Jackson

^۲. social presence

^۳. Kehrwald

و ارتباطات در دنیا مطرح و فعالیت‌های وسیعی در این راستا آغاز گردیده است. به عبارتی می‌توان گفت با توجه به تغییرات سریعی که در محیط پیرامون در حال شکل‌گیری است، اجرای آموزش‌های مجازی به منظور ارائه خدمات و فن‌آوری‌های جدید در زمینه تدریس و یادگیری به صورت یک نیاز اساسی مطرح شده است (اونگ^۱، ۲۰۰۴). گستردگی و همه‌گیری ویروس کرونا نیازمند آن است که هر یک از نهادهای دولتی، موقعیت‌های سیاست‌پذیرانه قابل انعطاف و سازگار را در ارتباط با بسیاری از جنبه‌های مسئولیت دولت ایجاد کنند (براون، تی‌رالی، شلی و وودروف^۲، ۲۰۲۰). در این راستا نهادهای آموزشی در جهت رعایت پروتکل‌های آموزشی و بهداشتی مدارس را تعطیل نمودند تا به کاهش همه‌گیری تجمعی این ویروس کمک کنند و با اتخاذ تصمیم‌هایی همچون تعلیق کلاس‌ها، تعطیلی زمین‌های بازی و ورزش، لغو فعالیت‌ها و جلسات غیر ضروری به حفظ سلامت دانش‌آموزان کمک کردند و روند آموزش را به صورت غیرحضوری ادامه دادند (واینر^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

وزارت آموزش و پرورش اساسی‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی در کشور جمهوری اسلامی ایران است، لذا بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی و گسترش بهره‌برداری از ظرفیت آموزش‌های غیرحضوری و مجازی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه معلمان و دانش‌آموزان از طریق شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات ضروری است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). از آنجایی که عدم آشنایی برخی معلمان با آموزش‌های مجازی و عدم به‌کارگیری فناوری‌های جدید در امر آموزش به عنوان یکی از مشکلات اساسی در حوزه آموزش و پرورش هویدا گشت، تعطیلی مدارس در پی شیوع ویروس کرونا، فرصت تفکر مجدد به معلمان جهت ارتقای آگاهی خود از روش‌های نوین و هم‌چنین روش‌های تدریس غیرحضوری را اعطا کرده است. این امر می‌تواند به ارتقا و به‌روزرسانی توانمندی‌های تربیتی و تخصصی معلمان و تقویت هویت حرفه‌ای آنان کمک کند.

از لحاظ سابقه بحث در خصوص ضرورت و اضطرار آموزش‌های مجازی معلمان در دوران شیوع ویروس کرونا مطالعاتی صورت گرفته است. تود^۴ (۲۰۲۰) در مطالعه خود با عنوان ادراک معلمان از تدریس کلاسی به مجازی اظهار داشته‌اند که بیماری همه‌گیری کووید-۱۹ با ایجاد قاعده‌های جدید آموزشی، تغییر عظیمی در آموزش ایجاد کرده است. تحول ناگهانی این امر و تاثیر آن بر معلمان منجر به ظهور مشکلات متعددی شده است اما بسیاری از این مشکلات قابل حل خواهند بود. با ادامه آموزش‌های مجازی در آینده، به پیشرفت‌های بیشتری نیاز است. در شرایطی که بیشتر

^۱. Ong

^۲. Brown, te Riele, Shelley, & Woodroffe

^۳. Viner

^۴. Todd

افراد ظهور بیماری کووید-۱۹ را به طور کلی پدیده‌ای منفی و زیان‌آور می‌بینند، می‌توان اظهار داشت که این بیماری همه‌گیر، فرصت‌هایی را برای پیشرفت‌های خلاقانه فراهم می‌کند که می‌توانند در دراز مدت به بهبود آموزش و پرورش کمک کنند. لوترا و مک‌کنزی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان راه‌کارهایی جهت تغییر آموزش نسل‌های آینده نتیجه گرفته‌اند که ویروس کرونا می‌تواند به مربیان فرصت تفکر مجدد در این بخش را بدهد، علاوه بر این فن‌آوری‌ها با به این شکاف گذاشته و به ایفای نقش کلیدی خود در آموزش نسل‌های آینده ادامه خواهد داد. در دنیایی که دانش، کلیک موس رایانه است، نقش مربیان نیز باید تغییر کند و دانش خود را به‌روزرسانی کنند.

لانگفورد و دمسّا^۲ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان آموزش در دوران کرونا به این نتایج دست یافتند که بسته شدن فیزیکی دانشگاه‌ها و مدارس در مارس ۲۰۲۰، به دلیل بحران کووید-۱۹، دیجیتال شدن آموزش را با سرعت بی‌سابقه‌ای افزایش داده است. انتقال ناگهانی به تدریس برخط به این معنی بود که بسیاری از معلمان ناگزیر به تغییر روش‌های تدریس خود شدند و چالش‌ها و مسائل مثبت و منفی متعددی را تجربه نمودند. در این راستا تغییرات مثبت شامل تدریس متنوع و تعاملی، سمینارهای سازمان‌یافته و بحث‌های گروهی کوچک‌تر، استفاده از مدل‌های مجزا و نرم‌افزار رای‌گیری^۳ و فضای بیشتر برای ارتباط نوشتاری و دیداری بود. راس^۴ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان ایجاد برنامه درسی در دوران قرنطینه برای تداوم امر آموزش و یادگیری در زمان شیوع ویروس کرونا عقیده دارد که بحران فعلی فرصتی برای معلمان ایجاد کرده است تا با یکدیگر همکاری کنند تا فرصت‌های یادگیری مشترکی ایجاد نمایند که به نفع همه باشد. وی همچنین عقیده دارد که ایجاد یک برنامه درسی برخط و مجزا، نقاط قوت متعددی دارد، این برنامه به یادگیرندگان قدرت می‌دهد تا مطابق با زمان و توانایی خود مشارکت کنند. این روش، عامل ایجاد جوامع مجازی یادگیرندگان است.

باسیلیا و کواوادز^۵ (۲۰۲۰) در مطالعه خود با عنوان گذار از آموزش‌های سنتی به آموزش‌های برخط در مدارس در دوران همه‌گیری ویروس کرونا در گرجستان، قابلیت‌های کشور و مردم را برای ادامه روند آموزش در مدارس به شکل برخط و آموزش از راه دور بررسی کردند و آن‌هایی را که مورد استفاده دولت هستند مانند پورتال‌های برخط، مدرسه تلویزیونی و تیم‌های میکروسافت برای مدارس دولتی و راه‌های جایگزین مانند زوم^۶، اسلاک و گوگل میت^۷، پلت‌فرم ... را مورد بررسی قرار دادند. هم چنین آنان معتقدند که شیوه آموزش برخط می‌تواند در دوره بعد از شیوع

¹. Luthra & Mackenzie

². Langford & Damsa

³. voting software

⁴. Ross

⁵. Basilaia & Kvavadze

⁶. Zoom

⁷. Slack and Google Meet

بیماری، به ویژه در مورد دانش‌آموزان با نیازهای خاص مفید باشد. یولیا^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان آموزش‌های برخط به منظور جلوگیری از انتشار ویروس کرونا در اندونزی عقیده دارد که بیماری همه‌گیر ناشی از ویروس کرونا معلمان را مجبور می‌کند در خانه امر آموزش را تداوم بخشند تا از همه‌گیری این ویروس جلوگیری شود.

اساساً یادگیری برخط یک مفهوم آموزشی است که هدف آن پیاده‌سازی فن‌آوری اطلاعات برای فرآیند آموزش و یادگیری است. استفاده از یادگیری برخط در همه‌گیری این بیماری می‌تواند از گسترش این ویروس جلوگیری کند. یادگیری برخط که در یادگیری الکترونیکی محبوب است، نوعی از سیستم آموزش از راه دور است که در آن از شبکه‌های ارتباطی برای آموزش معلمان به دانش‌آموزان استفاده می‌شود. بر این اساس با توجه به بررسی پژوهش‌های انجام شده می‌توان فواید استقرار آموزش‌های مجازی را تداوم یادگیری از راه دور دانش‌آموزان، ورود فن‌آوری‌های نوین به آموزش و الهام گرفتن از آنها برای کمک به ارتقاء آموزش نسل‌های آینده، اعطا فرصت تفکر مجدد به معلمان و به‌روزرسانی دانش آنها، کمک به دولت‌ها برای جلوگیری از گسترش ویروس و کمک به اقتصاد پزشکی ذکر کرد. با بررسی‌های صورت گرفته در حوزه پژوهش‌های مرتبط با موضوع می‌توان دریافت که پژوهش داخلی که به بررسی این موضوع به ویژه در دوره ابتدایی پرداخته باشد انجام نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف واکاوی ادراک معلمان از چالش‌های تغییر آموزش سنتی به آموزش مجازی در دوران شیوع ویروس کرونا انجام شده است. بر این اساس سؤال محوری پژوهش «تجربه زیسته شما از چالش‌های تغییر آموزش سنتی به آموزش مجازی در دوران شیوع ویروس کرونا چیست؟» مطرح شد.

روش پژوهش

این پژوهش جزء پژوهش‌های کیفی و از نوع پدیدارشناسی^۲ است. پدیدارشناسی به معنای مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است که توسط یک فرد زیسته و تجربه می‌شود و به معنای جهان یا واقعیتی جدای از انسان نیست. در رویکردهای پژوهشی پدیدارشناسی دو روش پدیدارشناسی توصیفی^۳ (هوسرل^۴) و پدیدارشناسی تفسیری^۵ (هایدگر^۶) مطرح است که گرچه محققان هر دو تجربه زیسته را بررسی می‌کنند اما در رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، توصیف پدیده و تجربه زیسته بدون تفسیر انجام می‌شود و توصیفی دقیق، مشروح با ارائه دسته‌بندی‌ها و

^۱. Yulia

^۲. phenomenology

^۳. descriptive phenomenology

^۴. Hueserl

^۵. interpretive phenomenology

^۶. Heidegger

طبقه‌بندی‌هایی از تجارب صورت می‌گیرد، و در پدیدارشناسی تفسیری هایدگر توصیف، هدف اصلی محقق نیست و به‌وضوح تفسیر معانی تجارب زیسته افراد توسط محقق انجام می‌شود (ماستاکاس^۱، ۱۹۹۴). پژوهش حاضر بر اساس روش پدیدارشناسی توصیفی هوسرل و براساس الگوی هفت مرحله‌ای کلایزی^۲ انجام شد. این روش شامل هفت مرحله: (۱) خواندن دقیق همه توصیف‌ها و یافته‌های مهم مشارکت‌کنندگان؛ (۲) استخراج عبارات‌های مهم و جمله‌های مرتبط با پدیده؛ (۳) مفهوم‌بخشی به جمله‌های مهم استخراج‌شده؛ (۴) مرتب‌سازی توصیف‌های شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص؛ (۵) تبدیل همه نظرات استنتاج شده به توصیف‌های جامع و کامل؛ (۶) تبدیل توصیف‌های کامل پدیده به یک توصیف واقعی خلاصه و مختصر؛ و (۷) معتبرسازی نهایی است. بر اساس این الگو، در ابتدا به توصیف مفهوم چالش‌های تغییر آموزش سنتی به آموزش مجازی پرداخته و سپس اقدام به جمع‌آوری توصیفات و قرائت‌های مشارکت‌کنندگان پیرامون موضوع از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۳ گردید.

مشارکت‌کنندگان بالقوه در این پژوهش تمامی معلمان ابتدایی شاغل به تدریس در شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بودند. برای انتخاب آزمودنی‌ها از رویکرد هدفمند ملاکی و معیار اشباع نظری^۴ استفاده شد. شرط انتخاب، تمایل به شرکت در پژوهش و تدریس به مدت حداقل ۲ ماه به صورت مجازی بود که در نهایت ۱۶ معلم انتخاب شدند. جهت انجام مصاحبه توضیحات مربوطه و اطلاعات لازم در خصوص مصاحبه و هدف پژوهش به شرکت‌کنندگان ارائه شد. بعد از انجام مصاحبه‌ها پاسخ‌های ارائه شده به صورت متن یا صوت در قالب یک مجموعه عیناً پیاده‌سازی و تجمیع گردید. ملاحظات اخلاقی، با ارائه توضیحات لازم در مورد اهمیت و هدف‌های پژوهش، عدم اجبار در پاسخ، عدم دریافت مشخصات فردی معلمان، محرمانگی و عدم افشای نظرات به سایرین، اطمینان از حذف فایل‌های صوتی پس از یادداشت‌برداری، استفاده از نتایج و جمع‌بندی نظرات صرفاً جهت ارتقاء و بهبود کیفیت آموزش و اطلاع نتایج پژوهش به معلمان رعایت گردید. برای اطمینان از صحت تفسیر و برداشت پژوهش‌گران از اظهارات هر شرکت‌کننده، در صورت نیاز، با ایشان تماس گرفته و صحت تفسیرها با نظر وی بررسی و در صورت نیاز تغییرات لازم انجام شد. در نهایت پس از ۱۶ مصاحبه، اطلاعات اشباع گردید.

^۱. Moustakas

^۲. Colaizzi

^۳. semi structural interview

^۴. theoretical saturation

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت پذیرفت. مضامین شناسایی شده مجدداً در جلسه بحث گروهی متمرکز^۱ با استفاده از شبکه اجتماعی مجازی مورد بررسی قرار گرفتند تا در نهایت روی مقولات استخراج شده توافق^۲ حاصل گردید.

اعتبار داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های تأییدپذیری^۳ از طریق خودبازبینی پژوهش‌گران و اعتمادپذیری^۴ با هدایت دقیق جریان جمع‌آوری اطلاعات و هم‌سوسازی پژوهش‌گران^۵ تعیین شد. علاوه بر پژوهش‌گران، متن پرسشنامه مصاحبه در اختیار متخصص دیگری قرار داده شد. پس از استخراج دوباره مقولات فرعی از پاسخ‌های ارائه شده و مقایسه آنها با مقولات استخراج شده توسط پژوهش‌گران، هم‌سویی نگرش پژوهش‌گران و متخصص موضوعی ایجاد شد. برای تعیین میزان پایایی از آلفای کریپندورف^۶ و بر اساس فرمول $\text{Alpha} = 1 - \frac{D_o}{D_c}$ استفاده شد که در آن D_o عدم توافق مشاهده شده و D_c عدم توافق مورد انتظار است. فرایند محاسبه D_o و D_c به سطح سنجش متغیر مورد مطالعه بستگی دارد (کریپندورف، ۲۰۰۴). آلفای کریپندورف جهت حدود ۳۹ یادداشت مصاحبه، ضریب ۰/۷۴ را در مورد مضامین نشان داد که نشان از پایایی قابل قبول تحلیل انجام شده است.

یافته‌ها

با مطالعه و تحلیل پاسخ‌های ارائه شده، برای هر یک از مصاحبه‌ها، همه ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه شناسایی شدند. در صورت وجود بخش‌هایی با مضامین مشابه در متن پاسخ‌های قبلی، از همان مضمون قبلی اختصاص داده شده به عنوان نشانگر آنها استفاده شد. در نهایت ۳۴ مضمون پایه شناسایی گردید که در جدول ۱، هر یک از مضامین پایه به همراه تعدادی از شواهد مربوطه ارائه شده است.

^۱. focus group discussion

^۲. consensus

^۳. credibility

^۴. dependability

^۵. investigator triangulation

^۶. Krippendorff

جدول ۱. مضامین پایه شناسایی شده حاصل از مصاحبه‌ها

مضامین پایه	شواهد
(۱) عدم دسترسی دانش‌آموزان به تلفن همراه شخصی، مناسب و اینترنت مناسب	... بزرگترین اشکال آموزش مجازی این است که دانش‌آموزان گوشی هوشمند ندارند و این روند آموزش را دچار اشکال می‌کند مشکل بزرگ و اساسی اینه که تمامی دانش‌آموزان دسترسی به گوشی هوشمند ندارند و آنتن‌دهی در مناطق روستایی و دور افتاده خیلی ضعیفه نداشتن اینترنت و گوشی موبایل در مناطق محروم استفاده از گوشی والدین و حتی برخی اوقات در یک خانه چند فرزند با یک گوشی
(۲) عدم تجهیزات کافی برای ضبط کردن فیلم‌های آموزشی	... و همچنین برای ضبط فیلم‌های آموزشی حتماً نیاز بود یکی پاشه و از من فیلم بگیره و باید محیط خونه کاملاً ساکت می‌شد ...
(۳) گوشی‌های قدیمی و با اندروید پایین	.. خیلی از معلم ها گوشی‌هایی با اندروید خیلی پایین دارن که باعث میشه نتونن خیلی از برنامه‌ها رو روی گوشی‌شون نصب کنن چه برسه که بخواد از اون برنامه‌ها استفاده هم کنند دروس‌های زیادی داشت ... چه از نظر تلفن همراه با کیفیت که بعضی دانش‌آموزان نداشتن...
(۴) اختلال در ارتباطات اجتماعی و عاطفی بین معلم و دانش‌آموزان	... و همچنین دانش‌آموزانم خیلی ابراز دل‌تنگی می‌کردند بنابر تجربه آموزش مجازی من، هیچ حسی و عواطفی بین آموزگار و دانش‌آموزان نیست عدم برقراری رابطه عاطفی میان معلم و دانش‌آموزان نیز از بزرگ‌ترین مشکلات بود چون معلم متوجه مشکلات روحی دانش‌آموزانش نمی‌شد البته به نظر من مهارت‌های اجتماعی نیز به انزوا کشیده شده است آموزش‌های مجازی نشاط و هیجان کلاس‌های حضوری را نداشت ...
(۵) از بین رفتن هویت دروس عملی	... خیلی از درس‌ها که به صورت عملی و گروهی باید شکل می‌گرفت دیگر هویتی ندارند ...
(۶) عدم نظارت و مشاهده پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان	... و پیشرفت آموزشی را نمی‌توان مشاهده کرد ...
(۷) عدم کارایی آموزش مجازی در پایه اول دبستان برای آموزش حروف	با سلام، در پایه اول امکان یادگیری با روش مجازی وجود ندارد، مخصوصاً در درس فارسی

شواهد	مضامین پایه
<p>برای سال تحصیلی جدید بنظرم علاوه بر معلمان، دانش‌آموزان و والدین آنها هم باید آموزش‌هایی ببینند. مثلاً این که سر ساعت مشخص در کلاس آنلاین حضور داشته باشند و تکالیف رو هم سر ساعت مشخص بفرستند ...</p>	<p>۸) عدم آگاهی والدین از اهمیت تدریس مجازی</p>
<p>توی آموزش‌های مجازی یک سری از دروس اشکال زیادی بود از جمله اینکه بچه‌ها درس ریاضی را با روش حضوری بهتر یاد می‌گرفتند و در آموزش مجازی یادگیری کامل اتفاق نمی‌افتد .</p>	<p>۹) عدم یادگیری کامل در آموزش مجازی دروس تخصصی مانند ریاضی</p>
<p>آموزش مجازی امکانات و وسایل خاص خودش مثل گوشی خوب و قوی یا لپ‌تاپ مناسب و... را لازم دارد که تهیه آن برای همه معلمان از نظر دسترسی و خرید مشکل است</p>	<p>۱۰) مشکل بودن تهیه وسایل کمک آموزشی</p>
<p>... نکات منفیش اینه که اگه بخوایی تمام دروس را آنلاین بگی زمان خیلی می‌بره. ... وقت گیر بودن ساخت محتوا و آسیب به چشم ...</p>	<p>۱۱) زمان‌بر بودن ساخت محتواها</p>
<p>... نمی‌توانستیم از آموزش‌های گروهی و جمعی استفاده کنیم.</p>	<p>۱۲) عدم استفاده از روش‌های تدریس گروهی در آموزش مجازی</p>
<p>... معلمان هم نیاز دارند با نرم‌افزارهای متنوع جهت تدریس آنلاین آشنا بشوند ... آموزش تولید محتوا با نرم‌افزارهای متنوع به معلمان ... مسئله در درجه اول معلم‌ها باید طی دوره‌ای با نرم‌افزارهای مختلف تولید محتوا آشنا شوند... ...به نظر من مهمترین مشکل عدم آشنایی معلمان با روشهای جدید آموزش‌های مجازی بود که خیلی زمان برد تا معلم‌ها بتونن خودشون رو با شرایط وفق بدن... ...عدم آشنایی بسیاری از معلمان درباره تولید محتوا و بعضاً حتی با پاورپوینت و یا ساخت کلیپ ساده...</p>	<p>۱۳) عدم آشنایی معلمان با نرم افزارهای جدید</p>

شواهد	مضامین پایه
<p>فضای مجازی که تا همین چند وقت پیش از آن هراس داشتیم و برای بچه‌های خردسال‌تر آن را تجویز نمی‌کردیم و از بیم شناخته‌شدن تا همین الان اسم‌های عجیب و غریب روی شماره و پروفایل خود قرار می‌دهیم و مجال شناساندن چهره واقعی خودمان را به مخاطب نمی‌دهیم و به جای تصویر خودمان، روی پروفایل از گل و بلبل و ... استفاده می‌کنیم ...</p>	<p>۱۴) هراس معلمان از کاربرد فضای مجازی در جامعه</p>
<p>یکی از بزرگترین مشکلات نداشتن اطلاعات راجع به چرایی و چگونگی تغییر و تحول است و همین بی‌اطلاعی و عدم آگاهی موجب مقاومت و مشکل در پذیرفتن و اجرای تغییرات است .</p>	<p>۱۵) عدم آگاهی معلمان برای ایجاد تحول در فرایند تدریس</p>
<p>...و علت اصلی مقاومت در برابر تغییر عدم آگاهی و خود باوری است...</p>	<p>۱۶) عدم خودباوری معلمان برای ایجاد تحول در فرایند تدریس</p>
<p>...آموزش مجازی و پرکردن فیلم برای بچه‌ها یا خواندن تکالیف و فعالیت‌های آنان وقت زیادی را از ما می‌گیره و باعث میشه که زندگی شخصی و شغلی مون نظم نداشته باشه.</p>	<p>۱۷) اختلال در زندگی شخصی معلمان</p>
<p>...و اینکه خیلی از همکاران از اینکه صدا یا تصویر خود را منتشر کنند ترس داشتند چون می‌ترسند اشتباهی در گفته هاشون داشته باشند و مورد تمسخر اولیا قرار بگیرن...</p>	<p>۱۸) هراس معلمان از مورد تمسخر قرار گرفتن اولیا</p>
<p>...تهیه بسته‌های اینترنتی مناسب که دارای سرعت خوبی باشند و مشکل قطع و وصلی نداشته باشه برای بسیاری از معلمان هزینه‌بر و پردردسر است و نمی‌توانند به راحتی تهیه کنند.</p>	<p>۱۹) گران بودن بسته‌های اینترنتی شبکه‌های مخابراتی</p>
<p>...به خصوص توی سن دبیرستانی‌ها بچه‌ها به بهانه تماشای آموزش آنلاین سرشون تو گوشیه اما واقعیت اینکه که بعضی هاشون توی اینستا و ... چرخ میزنن</p>	<p>۲۰) اهمال‌کاری دانش‌آموزان در انجام تکالیف و فعالیت‌های تحصیلی</p>
<p>پیش از شروع سال تحصیلی، دانش‌آموزان و والدین باید توجه شوند که حضور بچه‌ها سر کلاس در ساعاتی مشخص الزامی است. همچنین آموزش‌های لازم در زمینه قواعد و مقررات حضور در کلاس‌های مجازی را دریافت کنند...</p> <p>...و از طرفی خانواده‌ها این آموزش‌ها را بی‌اهمیت تلقی می‌کردند.</p>	<p>۲۱) اهمیت ندادن اولیا به آموزش‌های مجازی</p>

شواهد	مضامین پایه
<p>... نمی تونستن که با بچه‌ها کار کنند یا اینکه اصلا بعضی از خانواده‌ها براشون مهم نبود.</p> <p>...عدم همکاری اولیا و ..</p> <p>... خانواده‌ها با روش‌های جدید آشنایی نداشتند و با همون روش دوران خودشون به بچه‌ها آموزش می‌دادند که باعث می‌شد بچه‌ها درست یاد نگیرند و درشون تناقض یادگیری و دوگانگی ایجاد بشه...</p> <p>...چون خانواده‌ها آموزش را جدی نمی‌گرفتند هرکس هرزمان می‌خواست تکلیف انجام می‌داد.</p>	<p>(۲۲) عدم همکاری و دخالت نامناسب و جدی نگرفتن خانواده‌ها</p>
<p>...و همچنین خانواده‌های بی‌سواد و کم‌سواد هم نمی‌تونستن که با بچه‌ها کار کنند ...</p> <p>...عدم همکاری اولیا و یا بی‌سوادی آنان...</p> <p>...اما یه سری مشکلاتی در آموزش مجازی وجود داره که آموزش سنتی نداره مثل نداشتن سواد از جانب والدین...</p> <p>...یا بی‌سوادی آنان...</p>	<p>(۲۳) سواد پایین خانواده بعضی از دانش‌آموزان</p>
<p>...از طرفی خانواده‌ها با روش‌های جدید آشنایی نداشتند ..</p>	<p>(۲۴) عدم آشنایی خانواده‌ها با آموزش‌های جدید</p>
<p>... اگر قراره آموزش مجازی باشه باید در این خصوص برنامه‌ریزی اساسی انجام بشه به عنوان مثال ساعت حضور مقطع ابتدایی و متوسطه اول و دوم به طور جداگانه مشخص بشه و تداخلی با هم نداشته باشه...</p>	<p>(۲۵) تداخل ساعت‌های تدریس معلمان در مقاطع مختلف و بروز ناهماهنگی میان دانش‌آموزان در یک خانواده</p>
<p>... و امکان تقلب خیلی زیاد بود...</p>	<p>(۲۶) بالا رفتن امکان تقلب دانش‌آموزان در مسابقات و امتحانات</p>
<p>برای خود من نکات مثبت و منفی زیاد داشته مثلا من با خودم گفتم چقدر خوبه که بچه‌ها میتونند از تو خونه مطالب را دنبال کنند...</p> <p>...یکی از حسن‌های دنیای مجازی اینه که ما میتونیم یه مطلب رو تا جایی که جا بیفته تکرار کنیم...</p>	<p>(۲۷) تکرار مطالب مهم و رفع اشکالات ان‌ها با کمک محتوای آموزشی</p>

شواهد	مضامین پایه
<p>... بچه‌ها می‌تونند از تو خونه مطالب را دنبال کنند بدون اینکه از کسی انرژی هدر بره.</p>	<p>۲۸) جلوگیری از هدر رفتن زمان و انرژی معلم در کلاس با کمک محتواها</p>
<p>...و از طرفی والدین که فکر می‌کردند درس دادن آسونه آلان متوجه شدند که کار معلم سخته. ...به نظر من کرونا باعث شد توانمندی معلم و ارزش و منزلت معلم در تدریس و آموزش به دانش‌آموز بیشتر درک بشه.</p>	<p>۲۹) پی بردن اولیا به دشواری کار معلم</p>
<p>...و این چالشه باعث شد تا معلم‌ها به خودشون بیان و برن دنبالش... ...این مدت خیلی از رایانه و برنامه‌های آموزشی فاصله گرفته بودم و این مدت مجبور شدم یه مقدار تحقیق کنم و مطالب و برنامه‌های جدید را سرچ کنم و بیشتر برای کار با رایانه وقت بذارم. ...البته معلم‌ها هم موظف به فراگیری و استفاده از این ابزار برای تولید محتوا شدند و باعث شد اطلاعات خود را ابدیت کنن...</p>	<p>۳۰) فرصت تفکر به معلمان برای ارتقا سواد مجازی خود</p>
<p>...از طرفی هم معلما متوجه شدند که اگر موضوعی یاد گرفتنش برا بچه سخته می‌تونن بجا اینکه چند بار درس بدن بجاش یک محتوا بسازن.</p>	<p>۳۱) کمک به تعمیق یادگیری دانش‌آموزان با استفاده از آموزش‌های مجازی</p>
<p>...معلمان تونستن از هم یاد بگیرن مثلا معلم استان فارسی کار معلم استان اصفهان و... را ببینه. ...و اینکه باعث شد تا ما معلما از کار هم یاد بگیریم... ...و از تجربه‌های دیگر همکاران چه در زمینه‌ی تدریس چه در زمینه‌ی استفاده از برنامه‌ها و... استفاده کنن...</p>	<p>۳۲) به اشتراک گذاشتن ایده‌ها توسط معلمان</p>
<p>...ولی برای من خیلی خوب شد چون که می‌تونستم هر جا مشکل داشتند براشون محتوا بفرستم یا کلیپ بفرستم تا یادگیریشون عمیق باشه...</p>	<p>۳۳) احساس مثبت داشتن معلم و ایجاد اعتماد به نفس در وی با کمک آموزش‌های مجازی</p>

شواهد	مضامین پایه
<p>در آموزش مجازی با استفاده از برنامه‌های به روز مثل اینشات و پاور و... می توانیم محتوا رو خیلی جذاب تر در اختیار بچه‌ها قرار دهیم و همچنین استفاده از تصاویر متحرک و رنگی، تنظیم صداهای مختلف و دلنشین برای تدریس هر درس می‌تونیم توجه دانش‌آموزان رو به مطالب بیشتر جلب کنیم و با کارهای جانبی (کار با ابزار و برنامه‌های به روز) آنها رو به درس علاقه‌مند کنیم به گونه‌ای که فضای جدید و جذابی هم تجربه می‌کنن... ... محتوای متنوع و جذاب در چنین شرایطی به ویژه برای دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از ملزومات اساسی تدریس است...</p>	<p>۳۴) فرصتی برای جذاب‌سازی و تنوع‌بخشی به آموزش</p>

در مرحله دوم، بر اساس مضامین پایه شناسایی شده، دسته‌بندی کلی‌تری انجام و در قالب شش مضمون سازمان‌دهنده طبقه‌بندی گردیدند. جدول ۲ طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مضامین سازمان‌دهنده مستخرج از مضامین پایه

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
مهارت‌های تدریس و آموزش در آموزش از طریق فضای مجازی	(۱) نظارت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، (۲) تدریس دروس تخصصی در آموزش مجازی، (۳) چگونگی آموزش دروس عملی، (۴) چگونگی تدریس گروهی در آموزش مجازی، (۵) بالا رفتن امکان تقلب، (۶) کاهش روابط اجتماعی و عاطفی، (۷) اختلال در زندگی شخصی معلم، (۸) عدم آگاهی معلم از تدریس در فضای مجازی
تجهیزات و زیرساخت‌های فضای مجازی	(۱) اینترنت ضعیف، (۲) گوشی قدیمی معلم، (۳) عدم تجهیزات برای ضبط فیلم آموزشی و تولید محتوا، (۴) مشکل بودن تهیه وسایل کمک آموزشی، (۵) نداشتن گوشی شخصی در دانش‌آموزان، (۶) گران بودن هزینه بسته‌های اینترنتی، (۷) زمان بر بودن تولید محتوا
ارتباط معلم با خانواده‌ها	(۱) عدم آگاهی والدین، (۲) بی‌توجهی والدین، (۳) عدم همکاری والدین، (۴) تداخل تدریس در یک خانواده بین چند فرزند، (۵) سواد پایین والدین، (۶) اهمال‌کاری فرزندان و عدم نظارت والدین
نگرش‌های مربوط به استفاده از فضای مجازی	(۱) هراس معلم از استفاده از فضای مجازی، (۲) هراس معلم از تمسخر والدین، (۳) عدم خودباوری معلمان در استفاده از فضای مجازی در آموزش، (۴) اعتقاد به ناکارآمدی آموزش بویژه در پایه‌های اول دوره دبستان
فرصت‌های آموزشی	(۱) امکان تکرار مطالب، (۲) جلوگیری از هدر رفتن زمان و انرژی معلم، (۳) مشارکت دادن والدین در آموزش، (۴) کمک به تعمیق یادگیری، (۵) اشتراک ایده‌ها و تجارب بین معلمان، (۶) جذاب‌سازی و تنوع بخشی به آموزش، (۷) فرصت تفکر به معلم برای ارتقای سواد آموزشی، (۸) افزایش اعتماد به نفس در معلم
فرصت‌های روان‌شناختی	(۱) ایجاد اعتماد به نفس در معلم، (۲) ایجاد احساس مثبت در معلم

در مرحله سوم؛ با توجه به مضامین پایه شناسایی شده و مضامین سازمان‌دهنده، دسته‌بندی سوم در قالب مضامین فراگیر انجام شد که در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. مضامین فراگیر مستخرج از مضامین سازمان‌دهنده

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده
چالش‌های غیر سازنده	مهارت‌های تدریس و آموزش تجهیزات و زیرساخت‌های فضای مجازی ارتباط معلم با خانواده‌ها
چالش‌های سازنده	نگرش‌های مربوط به استفاده از فضای مجازی فرصت‌های آموزشی فرصت‌های روان‌شناختی

بحث و نتیجه گیری

چنانچه که گفته شد هدف پژوهش حاضر واکاوی تجارب معلمان دوره ابتدایی از چالش‌های تغییر آموزش سنتی به آموزش مجازی در دوران بحران ناشی از بیماری کوید-۱۹ بود. در این راستا یافته‌های بدست آمده از مصاحبه‌های انجام شده حاکی از شناسایی دو مضمون فراگیر (سازنده و غیرسازنده) بود که در مضمون فراگیر سازنده دو مضمون سازمان‌دهنده با عنوان فرصت‌های آموزشی و فرصت‌های روان‌شناختی و در مضمون فراگیر غیرسازنده چهار مضمون سازمان‌دهنده با عناوین مهارت‌های تدریس و آموزش در فضای مجازی، تجهیزات و زیرساخت‌های فضای مجازی، ارتباط معلم با خانواده‌ها و نگرش‌های مربوط به استفاده از فضای مجازی شناسایی گردید. قابل ذکر است هر یک از مضامین سازمان‌دهنده از چندین مضمون پایه تشکیل شده بود.

چنین به نظر می‌رسد که تغییر آموزش سنتی به آموزش مجازی در بحران کرونا که غیرقابل پیش‌بینی و ناگهانی بود معلمان را با چالش‌های متعددی نه صرفاً بر اساس تدریس و تجارب خود در آموزش بلکه در ارتباط با دانش‌آموزان و والدین هم از لحاظ آموزشی و هم از لحاظ روان‌شناختی مواجه ساخت. به عبارتی معلمان در مصاحبه خود تغییر آموزش سنتی به مجازی را تغییری چند بعدی مطرح می‌ساختند که هم به مسائل حرفه‌ای خودشان (دانش، مهارت و نگرش به تدریس مجازی) و هم به مسائل مربوط به دانش‌آموز و والدین مربوط می‌شد. لن (۲۰۰۹) در پژوهش خود به داشتن مهارت‌های آموزشی و حمایت‌های تکنیکی برای بهره‌برداری از آموزش مجازی تأکید دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نیز موید این موضوع است. میهال (۲۰۲۰) نیز معتقد است مشکلات ارتباطی و اجتماعی مزید بر مشکلات آموزشی و تدریس در آموزش مجازی است. همچنین اناس (۲۰۲۰) معتقد است در صورتی می‌توان از آموزش‌های مجازی حداکثر بهره را برد که مشکلات آموزشی، ارتباطی و انگیزشی در محیط یادگیری حل شده باشند. معلم در کلاس‌های سنتی از ابزارهایی همچون زبان اندام، تعامل متقابل و دوطرفه، امکانات فیزیکی کلاس و... برای تدریس مؤثر استفاده می‌نماید اما در کلاس‌های مجازی آشنایی با نرم‌افزارهای مناسب و چگونگی تعامل مؤثر با دانش‌آموزان و با والدین از اساسی‌ترین چالش‌های آنان است که می‌تواند به نوعی چالش غیرسازنده برای آموزش مؤثر به‌شمار آید. چگونگی تدریس، چگونگی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و تعامل با آنان، چگونگی تدریس به‌صورت گروهی، چگونگی نظارت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، چگونگی تدریس دروس عملی و چگونگی تدریس دروس تخصصی همچون ریاضی در فضای مجازی، چگونگی تولید محتوا در فضای مجازی و آشنایی با نرم‌افزارها از عمده‌ترین دغدغه‌های معلمان بود که به‌نظر می‌رسد لازم است آموزش و مهارت‌های مناسب برای معلمان به ویژه در دوره ابتدایی که اساس کار بر ارتباط صحیح و تسلط کافی برای تدریس است تدارک دیده شود.

همچنین از مشکلات عمده دیگر در این خصوص تجهیزات و زیر ساخت‌های فضای مجازی بود که مهم‌ترین آنان مسأله اینترنت، سرعت اینترنت، داشتن گوشی و تبلت یا لپ‌تاپ برای استفاده هم معلمان و هم دانش‌آموزان بود که مسائل اقتصادی و مشکلات امروزه بر این مضمون تأثیر بسزایی دارد. واقعیتی که معلمان در آموزش مجازی به آن نیاز دارند دسترسی مناسب به ابزارهای آموزشی فضای مجازی همچون اینترنت مناسب، گوشی‌های مناسب و... است. لیکن مصاحبه‌ها حاکی از آن بود که نه معلم و نه دانش‌آموزان از چنین امکاناتی بهره‌مند نبودند، به عبارتی مشکلات اقتصادی در تهیه امکانات نقش عمده‌ای داشت و البته بخش دیگر مشکلات مربوط به زیرساخت‌های اینترنت مناسب در کشور بود که توجه مسئولین را به این امر می‌طلبد.

آنچه دانش و مهارت‌های مورد لزوم را در این خصوص پوشش می‌دهد ایجاد نگرش برای نظام آموزشی در تغییر ایجاد شده است. به عبارتی تا زمانی که والدین یا معلمان با فضای مجازی و آموزش در آن به عنوان یک عامل تهدید یا بازدارنده یا ممنوع شده برخورد می‌کنند و آگاهی لازم در خصوص مدیریت این فضا را جهت آموزش و پرورش نداشته باشند نمی‌توان از آموزش‌ها استفاده مناسب را برد. نگرش و تمایل معلمان در استفاده از فضای مجازی علاوه بر این که به میزان دانش و آگاهی آنان از فضای مجازی بستگی دارد به تجارب آنان نیز مرتبط است. تا زمانی که فضای مجازی به عنوان واقعیت مورد پذیرش قرار نگیرد چگونگی استفاده صحیح از آن و نظارت بر آن جهت کاهش چالش‌های غیر سازنده آن کافی نیست. از این رو نیاز به تغییر نگرش در مورد آموزش مجازی برای معلمان امری ضروری است.

از دیگر مسائل مطرح شده توسط معلمان موضوع ارتباط آنان با خانواده‌ها و میزان آگاهی، دانش، تسلط و نظارت والدین بر آموزش‌های مجازی فرزندان خود بود. در آموزش‌های مجازی نقش والدین نسبت به آموزش حضوری افزایش می‌یابد و لازم است که والدین آگاهی و تسلط بیشتری داشته باشند لیکن معلمان در این خصوص با مشکلات عمده‌ای مواجه بودند.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر فرصت‌های آموزشی و روان‌شناختی بود که معلمان به آن اشاره داشتند. امکان افزایش سواد رسانه‌ای، ایجاد احساس مثبت در معلمان و اعتماد به نفس از جمله فرصت‌هایی بود که برخی معلمان به آن اشاره داشتند. به عبارتی آموزش‌های مجازی می‌تواند فرصتی برای تعمیق یادگیری و تفکر برای معلمان ایجاد نماید و شاید این امر حاکی از ویژگی‌های آموزش مجازی است که محققان در تحقیقات خود به آن اشاره نموده‌اند. براون و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند آموزش مجازی دارای انعطاف‌پذیری در آموزش است. لانگفورد و دمسا (۲۰۲۰) بر ویژگی سرعت در آموزش مجازی اشاره دارند و راس (۲۰۲۰) که بر همکاری و یادگیری مشارکتی در فضای مجازی تأکید دارد و همچنین تحقیق باسیلیا و کواواوز (۲۰۲۰) که بر توجه معلمان به تفاوت‌های فردی در یادگیری در فضای مجازی اشاره می‌کند حاکی از نقش مثبت آموزش مجازی است.

با توجه به آنچه گفته شد ضرورت پذیرش آموزش مجازی با تمامی محاسن مربوط به آن و حذف نقاط ضعف و مشکلات مربوط به آن امری انکارناپذیر است که سیستم آموزشی و متخصصان تعلیم و تربیت را ناگزیر به مداخلات مناسب در ارائه آموزش‌ها و ایجاد مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای پذیرش آموزش مجازی می‌کند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی مناسب تعریف و اجرا شود و دوره‌های آموزشی مناسب به‌ویژه در مورد چالش‌های روان‌شناختی و آموزشی در فضای مجازی، دانش تولید محتوا در فضای مجازی و مهارت‌های انگیزشی و مدیریتی و برنامه ریزی لازم هم به معلمان و هم به دانش‌آموزان و والدین ارائه گردد و از سوی دیگر پژوهش‌های مربوط به تأثیرگذاری این دوره‌ها و برنامه‌ها در بازدهی مناسب آموزش مجازی توسط محققین و پژوهش‌گران انجام شود.

منابع

الف. فارسی

- دلاور، سمیرا و قربانی، محمد. (۱۳۹۰). نقش آموزش مجازی در یادگیری خلاق دانشجویان از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهرستان بجنورد. *فصلنامه مديا*، ۱۷-۲۶.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- شاه‌مرادی، مرتضی. (۱۳۹۱). *بررسی میزان انطباق فعالیت‌های مدارس هوشمند مقطع متوسطه شهرستان شهریار با نقشه راه مدارس هوشمند*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- فاضلیان، پوران‌دخت و نظری، معصومه. (۱۳۹۳). تأثیر مدارس هوشمند بر فرآیند یاددهی - یادگیری زبان انگلیسی. *رشد آموزش زبان*، ۲۷(۴)، ۱۲-۱۷.
- کیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). نگاهی به آموزش مجازی (الکترونیک). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۴، ۸۲-

۸۹

ب. انگلیسی

- Anas, A. (2020). Perceptions of Saudi students to blended learning environments at the University of Bisha, Saudi Arabia. *Arab World English Journal*, 6, 261-277
- Basilaia, G., & Kvavadze, D. (2020). Transition to online education in schools during a SARS-CoV-2 coronavirus (COVID-19) pandemic in Georgia. *Pedagogical Research*, 5(4), 1-9.
- Brown, N., te Riele, K., Shelley, B., & Woodroffe, J. (2020). *Learning at home during COVID-19: Effects on vulnerable young Australians*. University of Tasmania.
- Dixon, M., D. (2010). Creating effective student engagement in online courses: What do students find engaging? *Journal of the Scholarship of Teaching and Learning*, 10(2), 1-13.

- Kehrwald, B. (2008). Understanding social presence in text-based online learning environments. *Distance Education*, 29(1), 89-106.
- Krippendorff, K. (2004). *Content analysis: An introduction to its methodology* (2nd Ed.). Thousand Oaks, C.A: Sage Publications.
- Lane, L. M. (2009, October 5). Insidious pedagogy: How course management systems impact teaching. *First Monday*, 14, 1-8.
- Langford, M., & Damşa, C. (2020). *Online teaching in the time of COVID-19: Academics' experience in Norway*. Centre for Experiential Legal Learning (CELL), University of Oslo.
- Luthra, P., & Mackenzie, S. (2020). Ways COVID-19 could change how we educate future generations. In *World Economic Forum*. <https://www.weforum.org/agenda/2020/03/4-ways-covid-19-education-future-generations/>.
- Maki, R. H., & Maki, W. S. (2007). Online Courses. In F. T. Durso (Ed.), *Handbook of applied cognition* (2nd Ed., pp. 527-552). New York: Wiley & Sons, Ltd.
- Mehall, S. (2020). Purposeful Interpersonal Interaction in Online Learning: What is it and how is it measured? *Online Learning Journal*, 24(1), 181-203.
- Moustakas, C. E. (1994). *Phenomenology research method*. Thousand Oaks, Ca: Sage Publication.
- Ong, P. (2004). *A descriptive study to identify deterrents to participation in employer-provided e-learning*. Unpublished Doctoral Dissertation, Capella University, Degree PhD.
- Robertson, J. S., Grant, M. M., & Jackson, L. (2008). Is online instruction perceived as effective as campus instruction by graduate students in education? *The Internet and Higher Education*, 8(1), 73-86.
- Ross, D. A. (2020). Creating a "quarantine curriculum" to enhance teaching and learning during the COVID-19 pandemic. *Academic Medicine*. doi: [10.1097/ACM.0000000000003424](https://doi.org/10.1097/ACM.0000000000003424)
- Todd, R. W. (2020). Teachers' perceptions of the shift from the classroom to online teaching. *International Journal of TESOL Studies*, 2(2), 4-16.
- Viner, R. M., Russell, S. J., Croker, H., Packer, J., Ward, J., Stansfield, C., & Booy, R. (2020). School closure and management practices during coronavirus outbreaks including COVID-19: A rapid systematic review. *The Lancet Child & Adolescent Health*. [https://doi.org/10.1016/S2352-4642\(20\)30095-X](https://doi.org/10.1016/S2352-4642(20)30095-X)
- Yulia, H. (2020). Online learning to prevent the spread of pandemic Corona Virus in Indonesia. *ETERNAL (English Teaching Journal)*, 11(1), 48-86.

English Abstract

Elementary School Teachers' Experiences of the Challenges of Changing Traditional Education to Virtual Education during the Corona Virus Outbreak

Mahboobeh Alborzi*, **Mehdi Mohammadi****, **Reza Naseri Jahromi*****,
Maryam Safari****, **Fateme Mirqafari*******

The aim of this study was to explore the challenges teachers experience with the conversion of traditional education to the online due to COVID pandemic. This Hurrserlian descriptive phenomenology research was based on Colaizzi's seven-stage model. Participants in this study were 16 elementary school teachers teaching in Shiraz in the academic year 1399-1400, selected through purposeful sampling and based on theoretical saturation. Data was collected through semi-structured interviews and was analyzed using contextual analysis method. The validity of the data was determined using verification techniques such as the researchers' self-review. The reliability of the data, on the other hand, was verified by accurately guiding the data collection process and harmonizing the related research. After extracting and categorizing themes, two comprehensive themes were identified. The first concerned non-constructive challenges and included challenges pertaining to cyberspace knowledge organizing themes, cyberspace equipment and infrastructure, cyberspace skills, and attitudes toward cyberspace use. The second encompassed constructive challenges such as finding educational and psychological opportunities. The results suggest highlight the necessity both of accepting virtual education with all its advantages and eliminating its weaknesses and problems.

Keywords: Corona Virus, elementary school, teacher, traditional education, virtual education

* Associate Professor of Educational Psychology, Department of Foundations of Education, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding author) (malborzi@shirazu.ac.ir).

** Associate Professor of Curriculum Development, Department of Educational Administration and Planning, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (m48r52@gmail.com).

*** Ph. D of Curriculum Development, Department of Educational Administration and Planning, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (dr_naseri@hotmail.com).

**** M.A Student of Educational Administration, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Mry.safari7667@gmail.com).

***** M.A Student of Educational Administration, School of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (fatememirqafari@gmail.com).